



مشاوره رایگان در وبسایت «خانه امن»

همین صفحه



در برابر زنانی با محارم سکوت نکنید قانون با شماست!

صفحه ۳

پرسشگری در مورد عدم ذکر مهر، هنگام عقد دائم و موقعیت زنان

صفحه ۲

بیانیه «خانه امن» به مناسبت ۱۶ روز نارنجی

صفحه ۳

دخترانی که زود مادر می شوند

صفحه ۴

«خشونت خانگی و جامعه

خشونت خانگی و واقعیت تلخ زندگی بیماران دیستروپی

خانه امن: امیرمحمود ۱۱ ساله است و از ۶ سالگی مجبور به استفاده از ویلچر شد. اکنون ۲ سالگی است که بر اثر تحلیل ریه اش از دستگاه ونتیلاتور استفاده می کند. پدر و مادرش جدا از هم زندگی می کنند ولی هنوز طلاق نگرفته اند. پدر امیرمحمود معتاد به مصرف شیشه است و علت اعتیادش را ناقل بودن زنش به بیماری ای که امیرمحمود به آن مبتلا شده می داند. مادر امیرمحمود سرپرستی او را بر عهده دارد هرچند که او درآمدی ندارد زیرا به خاطر شرایط جسمی پسرش مجبور است هر نیم ساعت یکبار ریه او را ساکشن کند. پدر نیز با مقصر جلوه دادن مادر...

صفحه ۴

«مشاوره رایگان

بر خورداری از مشاوره رایگان در وب سایت «خانه امن»

چنانچه تحت خشونت خانگی هستید یا برای رفع خشونت خانگی نیاز به مشاوره حقوقی دارید، به وبسایت «خانه امن» مراجعه کرده و روی «فرم مشاوره آنلاین» کلیک کنید.

پس از پرکردن فرم باز شده در سایت، آن را برای ما ارسال نمایید. ما در اولین فرصت پاسخگوی شما خواهیم بود. چنانچه نیاز به کمک فوری دارید یا در صورتی که جان شما در خطر است به قسمت «راهنمای خدمات اجتماعی» مراجعه کنید. در این قسمت فهرست اسامی مراکز فعالی که می توانند در صورت مواجهه با خشونت خانگی شما را یاری یا راهنمایی کنند وجود دارد. این فهرست شامل مراکز استان های مختلف کشور است.

«خشونت خانگی و حقوق

در برابر زنانی با محارم سکوت نکنید، قانون با شماست!

«خانه امن» پیایی از قربانیان زنانی با محارم نامه دریافت می کند. این قربانیان گاهی از همان ابتدا که قصه دردناک زندگی خود را می نویسند، تاکید دارند بر این که راهی دگاه نخواهند شد و اعتبار و آبروی خود و خانواده را حفظ خواهند کرد. وقتی از آنها سوال می شود به چه قیمت می خواهید از دادخواهی پرهیز کنید، می گویند تا پای خودکشی ایستاده ایم. این درجه از پنهانکاری است که به مرتکبین زنانی با محارم، جرات و جسارت می دهد تا قربانی خود را کاملا در کنترل داشته باشند و با خیال راحت، به تجاوز و تعدی ادامه دهند. دختری که از ۱۱ سالگی توسط ناپدری خود مورد...

صفحه ۳

«آموزشکده

برگزاری میزگرد آنلاین برای فعالان حقوقی در ایران

وبسایت «خانه امن» با هدف تبادل تجربه و افزایش دانش، دوره آنلاین «خشونت خانگی و لزوم حساسیت جنسیتی در قوانین حقوقی و رفتارهای قضائی» را برای وکلای دادگستری، دانش آموختگان رشته حقوق، کارآموزان وکالت و مشاوران حقوقی ایرانی برگزار می کند. مدرس دوره آقای «غلامحسین رئیسی» وکیل پایه یک دادگستری ایران است. وی به شکل حرفه ای ۲۰ سال در دادگاه های مختلف ایران پرونده های متعددی را در رابطه با خشونت خانگی وکالت کرده است. همچنین تالیفات متعددی در حوزه خشونت خانگی از وی به چاپ رسیده است. برای ثبت نام به وبسایت «خانه امن» مراجعه کنید.

«تجربه ها و خاطره ها

قربانیان نمره بیست

در خبرها آمده بود، «پدری در کرج به دلیل نمره ۱۶ سر نوجوان خود را به دیوار می کوبد و می کشد». هنوز مرگ نوجوان کرجی بر اثر تنبیه بدنی پدرش، برای گرفتن نمره ۱۶، را همه به خاطر داریم. خانه تمیز و دکوراسیون داخلی اش، مد روز است. به تازگی دیوارهای خانه، رنگ آمیزی شده و اتاق من را مادرم، با وسواس مرتب کرده است. پدرم جدیدترین سیستم کامپیوتر را برایم خریده، اما من دیگر نمی خواهم در این خانه بمانم. خانه زیباست، اما برای من تنها مکانی برای خشونت دیدن و تحقیر شدن است. از بچگی همه چیز داشتم. اتاق خوابم پر از انواع اسباب بازی های گرانبه ای...

صفحه ۲

«خبر

مردی در هرات بینی و لب همسرش را برید

به گزارش پویش، مسئولان در ولایت هرات در غرب افغانستان گفته اند که یک مرد بینی و لب همسرش را با چاقو بریده است. پلیس می گوید این زن ستاره نام دارد و ۳۰ ساله است. به گفته سمیع وفا سخنگوی والی هرات شوهر ستاره از همسرش خواسته بود زیورآلات خود را در اختیار وی قرار دهد اما وقتی ستاره حاضر به این کار نشده همسرش ابتدا او را مورد ضرب و شتم قرار داده و سپس بینی و لب او را با چاقو بریده است. سخنگوی والی هرات همچنین گفت: شوهر خانم ستاره معتاد مواد مخدر است و تصمیم داشته برای تهیه مواد مخدر زیورآلات همسرش را بفروشد.

«این سو و آن سو

طرح سازمان ملل برای مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان

خانه امن: صندوق اعتباری سازمان ملل ۲۲ نوامبر امسال طرح کمک مالی ۸ میلیون دلاری خود را، برای پروژه در ۱۸ کشور به منظور پایان دادن به خشونت خانگی اعلام کرد. خشونت علیه زنان و دختران یکی از شایع ترین خشونت های نقض حقوق بشر در جهان است، به طوری که براساس آمار حداقل ۱ زن از هر ۳ زن در سراسر جهان به اشکال مختلف مورد خشونت قرار می گیرند. این خشونت ها هزینه های روحی - روانی و اقتصادی زیادی برای خانواده ها، افراد و جوامع دربر دارد و باعث از هم پاشیدگی جوامع و متوقف شدن توسعه و پیشرفت می شود.

کشورهایی که برای اولین بار این کمک مالی را دریافت کردند شامل: سازمان هایی از کشورهای آنتیگوا، باربودا، موریتانی، میانمار و کوزوو بودند. انتظار می رود ۲،۳ میلیون نفر این کمک های مالی جدید سال های ۲۰۱۴-۲۰۱۷ از آن سود ببرند. این کمک های مالی از برنامه هایی حمایت می کند که به سه اولویت صندوق مالی سازمان ملل پاسخ می دهد:

- جلوگیری از خشونت
- دسترسی گسترده به خدمات و تقویت اجرای قوانین ملی
- سیاست ها و برنامه های عملیاتی برای پایان دادن به خشونت علیه زنان و دختران

با کمک های مالی بین ۱۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار دلار، پروژه های «سرمایه اعتباری سازمان ملل» بر روی کارهایی مانند: آموزش عمومی، کمپین های اطلاع رسانی، ایجاد ائتلاف، اجرای قانون، سازمان های قضایی و دولت، آموزش مربیان و کارکنان بهداشت و سلامت و مقامات پلیس برای پاسخ و جلوگیری از خشونت معطوف می کنند.

ادامه در صفحه ۲



پرسش و پاسخ قانونی

اگر در عقد نکاح دائم، مهر ضمن عقد ذکر نشده باشد، زن در چه موقعیتی قرار می‌گیرد؟

خانه امن: همانطور که اطلاع دارید، اگر مهر در نکاح دائم ضمن عقد تعیین نشده باشد، عقد صحیح است. بر خلاف عقد موقت که اگر مهر ضمن عقد ذکر نشده باشد، عقد اساسا باطل است. زنان در مواردی علاقه ندارند ضمن عقد نکاح دائم مهریه‌ای تعیین بشود، اما اغلب وقتی به مرحله اختلاف با شوهر می‌رسند و می‌خواهند از او طلاق بگیرند، متوجه می‌شوند که حق طلاق زن در قوانین ایران تا چه اندازه محدود است. لذا از این که مهری ندارند تا به اجرا بگذارند و شوهر را زیر فشار مطالبه مهریه به طلاق متقاعد کنند، به شدت پشیمان می‌شوند و به این نتیجه می‌رسند که دستشان برای ترغیب شوهر به طلاق خالی است. با توجه به این موقعیت خاص که زنان فاقد مهریه در آن قرار می‌گیرند، مادری که دخترش می‌خواهد ازدواج کند، پرسشی را با «خانه امن» در میان نهاده که می‌تواند از حیث بالا بردن اطلاعات عمومی برای همه دختران ایرانی مفید باشد.

پرسش: دخترم تصمیم گرفته با جوانی ازدواج کند. او با داشتن مهریه مخالف است و دوست دارد ۵۰ شاخه گل یاس را مهریه خود قرار دهد. اصرار من بر این که اگر با شوهرش در آینده اختلاف پیدا کند، ابزاری برای طلاق در دست ندارد و مدتها سرگردان می‌شود و اطراف دادگاه‌ها پرسه می‌زند، اثری ندارد. از طرفی شنیده‌ام زنانی که در نکاح دائم مهریه ندارند، در صورتی که تغییر عقیده بدهند، می‌توانند مهریه را به سند نکاح اضافه کنند. آیا این درست است و دخترم می‌تواند بعد مهریه‌ای مطالبه کند؟

پاسخ: البته درست است، اما شرایطی دارد. بهتر است زنانی که مثل دختر شما دوست ندارند همزمان با عقد نکاح مهریه‌ای در سند نکاحیه ثبت بشود، با ظرفیت‌های قانونی هم آشنا بشوند تا بتوانند در صورت رویه رو شدن با شوهری که به کرامت انسانی آنها احترام نمی‌گذارد، مهریه را اضافه کنند.

پرسش: خب اگر شوهر دیگر زیر بار نرفت، آن وقت چی؟

پاسخ: البته که شوهر زیر بار نمی‌رود. قانون در اینباره تدابیری اندیشیده که استفاده از آن تدابیر شرایطی دارد.

پرسش: آن شرایط چیست؟

پاسخ: مهم‌ترین شرط این است که عروس در هنگام عقد، مراقبت کند و مواظب باشد که جای مهریه یکلی «خالی» بماند. پرکردن این فضای خالی با آینه و شمعدان و یک جلد کلام‌الله یا تعدادی شاخه گل و امثال آن، باعث می‌شود همان‌ها مهر شناخته شده و هرگز زن نتواند ثابت کند که مهریه ندارد. بنابراین از فرصت‌های قانونی برای تعیین مهریه هم بهره‌مند نمی‌شود. اما اگر جای مهریه کاملا خالی بماند، زن می‌تواند چنانچه تغییر عقیده بدهد و بر سر آن با شوهر به توافق نرسد برود دادگاه و از دادگاه تقاضای تعیین مهریه کند. وقتی هم شوهر می‌خواهد با استفاده از قدرت مطلق و نامحدودش برای طلاق، زن را طلاق بدهد، حق زن با شرایطی نسبت به مهریه محفوظ است.

پرسش: دادگاه چگونه مبلغ مهریه را تعیین می‌کند؟

پاسخ: به موجب ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی «هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتنعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.»



قربانیان نمره بیست!

مژگان میراشرفی

اسباب‌بازی‌هایم بودم. پدرم مرا صدا زد و دفترچه نمراتم را جلویم پرتاب کرد و از من پرسید که چرا جواب جان‌کندن و زحمتش را با نمره ۵ در ریاضی داده‌ام. از ترس دست و پایم یخ زد. در حال گریه و زاری بودم که ناگهان پدرم با میله فلزی بزرگی به من حمله‌ور شد. هنوز وحشت آن روز و شدت ضرباتش را روی پشتم احساس می‌کنم. نمی‌دانم اگر پدر بزرگم نجاتم نداده بود، الان زنده بودم یا نه؟! سالیان متبادی بعلت نگرفتم نمره ۲۰ و داشتن معدل کمتر از ۱۵ و همچنین عدم موفقیت در کلاس ویلون و پیانو، خطاطی، کلاس داستان‌نویسی و حتی ژیمناستیک کتک خوردم. سال‌ها به دلیل قدرشناسی از داشتن امکانات و نگرفتن نتیجه دلخواه والدینم تحقیر شدم.

در حال حاضر ۲۷ ساله هستم، اما احساس می‌کنم تمام ۲۰ سال گذشته زندگی‌ام در تلاطم، استرس و وحشت از تنبیه‌های بدنی و روانی والدینم گذشته است. در کودکی با گرفتن هر نتیجه ضعیف، مادرم مرا در حمام تاریک خانه زندانی می‌کرد و از پدرم به شدت کتک می‌خوردم.

حکایت من و نمره بیست به اینجا ختم نمی‌شود، همیشه اطرافیان و فامیل من را تحقیر و مسخره می‌کردند. صدای گوش‌خراش ساز ویلون من بعد از ۷ سال رفتن به کلاس اجباری یا پیانو بزرگی که در خانه خاک می‌خورد، مایه تمسخر کوچک و بزرگ فامیل شده بود. شنیدن کنایه‌های بچه‌های فامیل برایم دیگر تکراری شده است که: «اگر بابای ما اینقدر پول خرج ما کرده بود، تا حالا اینشتین بودیم.» بزرگ‌تر که شدم حتی اجازه ندادند بگویم من می‌خواهم به دانشگاه بروم. والدینم هنوز قبول نکرده بودند، که من توانایی قبولی در کنکور سراسری را ندارم. آنها من را مایه سرشکستگی و خجالت خود می‌دانستند. اکنون که ۲۷ ساله شده‌ام نه فیلسوفم و نه دانشمند، آدم معمولی هستم که تنها خواسته‌اش، رسیدن به آرامش است، کسی کتکم نمی‌زند یا زندانی‌ام نمی‌کند، اما مطمئن نیستم که بتوانم رنگ آرامش را در زندگی ببینم؟! نمی‌دانم که توانایی بازسازی اعتماد به نفس له‌شده‌ام را دارم یا نه؟! نمی‌دانم بیماری وسواس را که ناشی از سخت‌گیری‌های عجیب و غریب والدینم است، درمان می‌شود یا نه؟! شاید اگر به جای این همه کتک و آزار روانی، از من حمایت می‌کردند، خود آنها نیز از زندگی‌شان راضی‌تر و خوشحال‌تر بودند. کودکان به علت ویژگی‌هایی که از نظر سنی دارند بسیار آسیب‌پذیر بوده و نیازمند حمایت و مراقبت والدین‌شان هستند. اما گاهی بزرگسالان به دلایل مختلف

به جای حمایت و مواظبت از کودکان، آنان را مورد آزار قرار می‌دهند.

کودک آزاری شامل رفتارهایی است که توسط افراد دیگر خصوصا بزرگسالان نسبت به کودکان انجام می‌گیرد و به نوعی به سلامت جسمی و روانی کودکان آسیب می‌رساند. بر خلاف تصور عموم، خشونت خانگی علیه کودکان تنها توسط والدین معتاد و بزهکار یا در خانواده‌هایی که مشکلات اقتصادی و خانوادگی شدید دارند اتفاق نمی‌افتد. بلکه کودکانی که دارای مشکلات تحصیلی یا رفتاری هستند نیز، ممکن است تحت آزار و خشونت قرار بگیرند. متأسفانه کودکانی که مشکلات نسبتاً پایدار دارند، بیشتر از سایر کودکان مورد آزار قرار می‌گیرند. (مانند کودکانی که دچار بی‌قراری یا بیش‌فعالی، اضطراب، شب‌آزاری یا بهره‌هوشی کمتری نسبت به بهره‌هوشی معمولی دارند.) مشکلاتی که در خانواده برای اینگونه کودکان ایجاد می‌شود، مانند انتظار بیش از حد توانایی آنها، ندیدن تفاوت‌های آنان با همسالانشان، ایجاد اضطراب، ترس و مقایسه با دیگر کودکان هم سن آنان، تنبیه بدنی، تحقیر، توهین و غیره؛ سبب آسیب‌های جسمی و روانی کودکان می‌شود. بسیار دیده شده است که به علت فضای رقابتی ناسالم در میان خانواده‌ها و دانش‌آموزان در مدارس، بسیاری از کودکان در معرض آزارهای شدید روحی- روانی و خصوصا خشونت‌های خانگی قرار گرفته‌اند. تصور بسیاری از والدین بر این است که تنها ایجاد و فراهم کردن امکانات رفاهی می‌تواند آینده فرزندان‌شان را تأمین کند. اما هنگامی که به نتیجه دلخواه خود دست نمی‌یابند و یا اهداف فرزندان‌شان با خواسته‌ها و آرزوهای آنها مطابقت ندارد، دست به خشونت زده و ناکامی‌شان را بصورت خشم، متوجه کودک خود در خانه می‌کنند و او را تحت انواع آزارهای جسمی و روانی قرار می‌دهند.

چگونه می‌توانیم از خشونت خانگی علیه کودکان در

خانه پیشگیری کنیم؟

شناخت کودکان و نیازهای آنان، سبب می‌شود که رفتار بهتری با آنها داشته باشیم. برای این کار می‌توانیم از روش‌های مختلف مانند خواندن کتاب‌های مناسب، شرکت در کلاس‌های آموزشی و مشاورت کردن با افراد آگاه بهره ببریم. می‌توانیم از دیگران کمک بگیریم. کمک گرفتن و مشاورت کردن نشانه هوشیاری و آگاهی است، نه ناتوانی بنابراین برای کاهش مشکلات خود می‌توانیم از مراکز مشاوره حضوری یا تلفنی مانند خطوط تلفن اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی یا خط تلفنی کمک به کودکان و نوجوانان (صدای یارا)، صدای مشاور و سایر سازمان‌های غیردولتی و متخصصین کمک بگیریم. پیشگیری همیشه آسانتر و سریع‌تر از درمان است. برای پیشگیری از آزار کودک در خانه می‌بایست، آگاهی خود را در زمینه پرورش فرزندان و شیوه‌های مناسب رفتار با آنان افزایش دهیم. با حقوق و نیازهای اساسی کودک آشنا شویم. به سلامت جسمی و روانی خود و کاهش فشارهای عصبی و مشکلات رفتاری خود که سبب آزار کودک می‌شود توجه کنیم. انتظار خود از کودکان را با توانایی‌ها و استعدادهای آنان تطبیق دهیم و اجازه دهیم کودک خود هدف‌هایش را براساس علائقش انتخاب کند. در آخر با کمک گرفتن هنگام برخورد با مشکلات و آشنایی از مراکز حمایتی، مشاوره و امداد کودکان و خانواده‌ها، راهنمایی‌های لازم را دریافت کنیم.

طرح سازمان ملل برای مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان

مبارزه با خشونت علیه زنان یک نیاز فوری برای انجام تعهداتی است که در قطعنامه‌ها و در کمیسیون وضعیت زنان گنجانده شده است. هلند به حمایت‌های خود برای پشتیبانی از صندوق مالی سازمان ملل برای پایان دادن به خشونت علیه زنان و تشویق دیگران برای انجام این کار ادامه می‌دهد. به علاوه امسال، قسمتی از این کمک‌های مالی برای مقابله با خشونت علیه نوجوانان و دختران جوان، از طریق تعامل با دختران مدرسه‌ای در بنگلادش و ویتنام و توسعه ظرفیت‌های رهبری دختران جوان در اوکراین اختصاص یافت. لازم به ذکر است که این کمک‌های مالی با حمایت‌های سخاوتمندانه برخی کشورهای و شرکای سازمان ملل در بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی مانند: Saban Foundation و اتحادیه اعتباری سازمان ملل متحد، کمیته ملی نهاد زنان سازمان ملل امکان‌پذیر شده است.

ادامه از صفحه اول

بسیاری از پروژه‌ها در تلاش برای تغییر نگرش جامعه و کمک گرفتن از مردان برای پایان دادن به خشونت هستند. مدیر اجرایی نهاد زنان سازمان ملل متحد اذعان می‌دارد: «خشونت علیه زنان و دختران می‌تواند به طور سیستماتیک مورد رسیدگی به طور کلی از میان برداشته شود. صندوق اعتباری سازمان ملل برای پایان دادن به خشونت علیه زنان به انجام این کار اختصاص یافته است. پشتیبانی و حمایت شرکت‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسات و اشخاص برای رسیدن به این هدف بسیار حیاتی است.» به گفته وزیر تجارت خارجی و همکاری‌های توسعه‌ای هلند، که یکی از اهداکنندگان مالی «صندوق اعتباری سازمان ملل» است خشونت علیه زنان و دختران یک امر نکوهیده و مانعی برای توسعه می‌داند.

بیانیه

به مناسبت ۱۶ روز نارنجی

«خانه امن» امسال در حالی کمپین بین‌المللی ۱۶ روز فعالیت برای مبارزه با خشونت علیه زنان را پشت سر گذاشت، که خود از ۲۵ نوامبر تا ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ را با ۱۶ شعار نارنجی گرمی داشت و اعلام کرد، در تداوم این کمپین با هدف کنترل خشونت علیه زنان از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. ۱۶ روزی که سازمان ملل متحد از زن و مرد، جوان و سالخورده که در هر کجای دنیا زندگی می‌کنند می‌خواهد برای کنترل چنین خشونت‌هایی با افزایش آگاهی عمومی و اصلاح شیوه‌های اجرایی دولتی همت گمارده و به دفاع مدنی بپردازند. خانه امن در همبستگی با این کمپین طی بیانیه‌ای اعلام کرد، امیدوار است که ۲۵ نوامبر سال ۲۰۱۴، نهادهای قانونگذاری ایران، در قوانین مرتبط با خشونت خانگی، اصلاحاتی را در جهت کمک‌رسانی به کنترل خشونت خانگی و امنیت زنان و کودکان از تصویب گذرانده و گام‌هایی اساسی با هدف مقابله با خشونت خانگی برداشته باشند. «خانه امن» هر روز از این ۱۶ روز، یک خواسته را در متن نارنجی پایگاه اینترنتی خود، برجسته کرد. این خواسته‌ها به شرح زیر است:

پیام روز اول نارنجی مصادف با ۲۵ نوامبر: سکوت را بشکنید و خشونت را پنهان نکنید.

پیام روز دوم مصادف با ۲۶ نوامبر: با هدف کنترل خشونت خانگی بر ضد زنان و کودکان قوانین خاص از تصویب بگذرانید.

پیام روز سوم مصادف با ۲۷ نوامبر: حق زن مطلقه بر حضانت را در صورتی که وی باری دیگر ازدواج کند به رسمیت بشناسید.

پیام روز چهارم مصادف با ۲۸ نوامبر: سن ورود به مسوولیت کیفری دختران را از ۹ سال هجری قمری، با ضوابط مندرج در کنوانسیون حقوق کودک که ۱۸ سالگی است سازگار کنید.

پیام روز پنجم مصادف با ۲۹ نوامبر: روز جهانی مدافعان حقوق بشر زنان را گرمی می‌داریم. هرکس آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشند.

پیام روز ششم مصادف با ۳۰ نوامبر: دیه (خون بهای) زن را با دیه (خون بهای) مرد برابر کنید.

پیام روز هفتم مصادف با اول دسامبر: برای مادر حق ولایت بر فرزندان صغیر را همانند پدر به رسمیت بشناسید.

پیام روز هشتم مصادف با دوم دسامبر: مجوز قانونی ازدواج فرزندخوانده و سرپرست را ملغی کنید.

پیام روز نهم مصادف با سوم دسامبر: موجبات قانونی و ملی تأسیس خانه‌های امن برای پناه دادن به زنان و کودکان خشونت دیده را فراهم کنید.

پیام روز دهم مصادف با چهارم دسامبر: قوانین ناظر بر ارث میان زنان و مردان را برابر کنید.

پیام روز یازدهم مصادف با پنجم دسامبر: انتخاب نوع پوشاک حق هر انسان آزادی است. این حق را در باره زنان به رسمیت بشناسید.

پیام روز دوازدهم مصادف با ششم دسامبر: مجوز قانونی چند همسری مردان را لغو کنید.

پیام روز سیزدهم مصادف با هفتم دسامبر: حق زن بر خروج از خانه، اشتغال، ادامه تحصیل، سفر به داخل و خارج از کشور را همانند یک انسان آزاد به رسمیت بشناسید.

پیام روز چهاردهم مصادف با هشتم دسامبر: حق مطلق و بی‌قید شرط شوهر برای طلاق را محدود کنید.

پیام روز پانزدهم مصادف با نهم دسامبر: پلیس و قضات را برای درک مشقت زنان از خشونت مردان بازآموزی کنید.

پیام روز شانزدهم مصادف با دهم دسامبر: روز جهانی حقوق بشر را گرمی می‌داریم. تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.

در برابر زنا با محارم سکوت نکنید، قانون با شماست

قیمت، استفاده‌کنند. ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در مواردی که مجازات زنا، اعدام مرد زناکار است، اینگونه دستور می‌دهد:

الف- زنا با محارم نسبی

ب- زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ- زنا با مرد غیرمسلمان یا زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

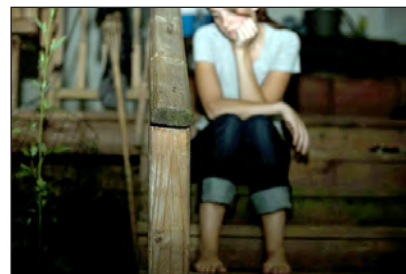
ت- زنا با زنی که با او زانی که موجب اعدام زانی است.

تبصره ۱- مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زناست.

تبصره ۲- هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند رفتار او در حکم زنا با او محسوب می‌گردد. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.»

اما با وجود این مجازات بسیار سخت که برای زنا با محارم یا زنا با دختر نابالغ از طریق فریب یا ترساندن و تهدید و مانند آن در نظر گرفته‌اند، شمار زانی که در دادگاه‌های ایران از این جهت دادخواهی می‌کنند اندک و شاید نزدیک صفر است. حال آن که نرخ خودکشی دختران جوان ایرانی رو به افزایش است. زنان ایرانی به این تأکید قانون که در تبصره ۲ به آن پرداخته شده توجه کنند که حتی تسلیم آنها به مردی که آنها را بیهوش یا خواب یا مست کرده، اگر در دادگاه ثابت بشود، عمل آن مرد در حکم زنا با او محسوب می‌گردد و مجازات اعدام برای مرد متجاوز درخواست می‌شود. همچنین خانواده دختر نابالغ به همان تبصره توجه کنند و چنانچه در مراقبت از دخترشان کوتاهی کرده‌اند، دستکم وقتی از ماجرا با خبر می‌شوند سکوت نکنند و در برابر متجاوز با ارائه این قانون به او بایستند. سکوت آنها همدستی با متجاوز بر ضد دختران بیگناه و کودکان ایرانی است. اگر یک مرد یا یک جوان بالغ در خانواده رفتار نسبت به خواهر یا دختر یا خواهرزاده و برادرزاده و مانند آنها، به اندازه‌ای حیوانی است که سرنوشته دختری از خانواده را تبه می‌کند، سزاوارترحم و محبت نیست. سکوت هر یک از افراد خانواده که از فاجعه خبر دارد، در حکم همدستی با مجرم است. می‌دانید از نگاه دینی زنا با محارم معصیت و گناه کبیره است. از این زاویه هم اگر نگاه کنید، شمانیز که می‌دانید و سکوت می‌کنید، مرتکب گناه کبیره و معصیت می‌شوید.

خودکشی جوانان که گاهی علت آن تا ابد پوشیده می‌ماند، می‌افزاید. از یک دختر دبیرستانی نامه‌ای دریافت شد که نوشته بود، اخیراً یک همکلاسی خوش روحیه و بانشاط و درس‌خوان ما خودکشی کرد و همه شگفت‌زده شدیم. چون از خانواده مرفهی بود و ظاهراً کمتر از همه ما مشکل داشت. مدتها گذشت تا یکی از نزدیک‌ترین دوستانش به من گفت که از تجاوز مکرر برادر به جان آمده بوده و گفته‌ی توأم با کسی در میان بگذارد و جز خودکشی چاره‌ای ندارم. تکرار تراژدی و پنهان کردن آن از چشم دیگران، ایران را به بهشت این دسته از تبهکاران تبدیل کرده است. دولت هم آماری از این وقایع در دست ندارد تا بشود مایه دست پژوهشگران. به علاوه



حتی نهادهای حکومتی ترجیح می‌دهند این ابتلای اجتماعی فاش نشود و خانواده‌ها روی آن گرد فراموشی بپاشند و احیاناً خاطره دردناک آن با دفن پیکر قربانی، زیر خاک دفن بشود. اگر غیر از این بود نهادهای حکومتی که دستکم اطلاعات محدودی نسبت به آن دارند، به صورت عمومی و صریح وارد کارزار بر ضد این سکوت کشنده می‌شدند و مراجع خاصی را معرفی می‌کردند تا این قربانیان به آن مراجع مراجعه کرده و با اطمینان از حفظ اسرارشان، دردهای ناگفته را با کارشناسان خاصی در میان بگذارند تا به صورت نامحسوس، قربانی زنا با محارم که در واقع گونه‌ای است از تجاوز یک مرد خانواده به یک دختر بیچاره یا پسر بیچاره یا یک دختر نوجوان، نجات پیدا کند و امکانات روان‌درمانی در اختیارش بگذارند.

قانون چه می‌گوید؟

با وجود این سکوت سنگین که یکی از مهم‌ترین مشکلات زندگی خانوادگی را از نگاه مراجع قضائی و پژوهشگران، دور نگاه داشته است، قانون با موضوع زنا با محارم بسیار خشن برخورد می‌کند. البته استفاده از قانون برای رهائی مستلزم آن است که قربانی بخواهد از قانون برای رفع ظلم از خود به هر

«خانه امن» پیاپی از قربانیان زنا با محارم نامه دریافت می‌کند. این قربانیان گاهی از همان ابتدا که قصه دردناک زندگی خود را می‌نویسند، تأکید دارند بر این که راهی دادگاه نخواهند شد و اعتبار و آبروی خود و خانواده را حفظ خواهند کرد. وقتی از آنها سوال می‌شود به چه قیمت می‌خواهید دادخواهی پرهیز کنید، می‌گویند تا پای خودکشی ایستاده‌ایم. این درجه از پنهانکاری است که به مرتکبین زنا با محارم، جرات و جسارت می‌دهد تا قربانی خود را کاملاً در کنترل داشته باشند و با خیال راحت، به تجاوز و تعدی ادامه دهند.

دختری که از ۱۱ سالگی توسط ناپدری خود مورد سوءاستفاده جنسی بوده، در ۱۳ سالگی با «خانه امن» وارد بیان زندگی محنت‌بار خود شده و همین که فهمیده غیر از تماس خود را قطع کرده است، زن جوانی که از ۵ سالگی توسط دای‌اش مورد سوءاستفاده جنسی بوده و اکنون دانشجویست و با انواع بی‌قراری‌ها و بحران‌های روحی، به کمک داروهای ضد اضطراب روزگار دشواری را می‌گذراند، از پذیرفتن هر نوع افشای موضوع که می‌تواند مرهمی بر زخم‌های درونش باشد سر باز می‌زند. به گفته او دای‌اش ازدواج کرده و حالا دخترک ۵ ساله‌ای دارد و هرگاه روزهای جمعه فامیل دور هم جمع می‌شوند، قربانی آن دیدن آن دخترک به یاد خاطرات دردناکی می‌افتد که در تمام دوران کودکی و نوجوانی تحمل کرده است. با این وصف حاضر نیست، لب از لب بجنباند و دستکم با مادرش درد دل کند و از دیدار با دای که زخم درون را خنجر می‌زند معاف بشود. این درجه از سکوت در برابر تجاوز به حریم کودکان، ریشه در کدام ترس‌ها و دغدغه‌های روانی دارد. آیا خانواده‌های ایرانی وقتی از آن آگاه می‌شوند، قربانی را سرزنش می‌کنند که چرا مثلاً در هنگامی که طفل بوده، در برابر متجاوز مقاومت نکرده است؟ آیا او را بابت افشای راز در نوجوانی و جوانی، مجازات می‌کنند و از خانواده طرد می‌شود؟ اگر چنین است باید با موضوع برخورد‌های وسیع از منظر روانشناسی و جامعه‌شناسی بشود.

در تحقیقات انجام‌شده به این نتیجه رسیده‌اند که اغلب مادران به خصوص در مواردی که «پدر واقعی» طفل یا نوجوان مرتکب تجاوز است، از آن خبر دارند و وانمود می‌کنند که بی‌خبرند. این بستر اجتماعی که آماده است برای تبهکاران جنسی، باید از سوی روانشناسان و جامعه‌شناسان ایرانی در سطح وسیع به چالش کشیده بشود. سکوت آنها در تداوم سکوت قربانیان و شهود و آگاهان، بر آمار افسردگی و

«سکوت را بشکنید»

با ما حرف بزنید تا ما را بیشتر بشناسید. مخاطبان ما قربانیان خشونت‌های خانگی یا شاهدان آن هستند. ما حامی و پشتیبان کسانی هستیم که می‌خواهند همه خانه‌ها امن باشد. ما گردانندگان وبسایت «خانه امن» برای گفت‌وگو با شما اعلام آمادگی می‌کنیم. اولین هدف وبسایت «خانه امن»، راهنمایی حقوقی آنلاین و رایگان به افرادی است که قربانی خشونت خانگی و به دنبال راهی از خشونت با استفاده از راهکارهای قانونی هستند. ما با تماس بگیرید تا از مشاوره حقوقی رایگانی که متخصصین این حوزه داوطلبانه در اختیار شما قرار می‌دهند بهره‌مند شوید. همچنین این وبسایت برای تقویت آگاهی و دانش شما نسبت به موضوع خشونت خانگی و ارتقاء اعتماد به نفس شما راه‌اندازی شده است. در این وبسایت منابع راهنمای مختلفی که مرتباً به روز می‌شوند موجود است.

«سکوت را بشکنید»

از خشونت و اثرات آن بر جسم و روح خود و فرزندانتان به ما بگویید. وکلا و مشاوران حقوقی «خانه امن» تلاش می‌کنند در فضای مجازی و در حد امکان به زنان و افرادی که مورد خشونت خانگی هستند یاری برسانند.

«سکوت را بشکنید»

این نخستین گام به سوی کنترل خشونت خانگی است، پس از این گام است که بر داشتن دیگر گام‌ها میسر می‌شود. «خانه امن» را خانه خودتان بدانید و مطمئن باشید این خانه با هدف کاستن نگرانی‌های شما راه‌اندازی شده و در این راه از کمک وکلا و مشاوران داوطلب و متعهدی که در جهت کاستن خشونت خانگی فعالیت می‌کنند استقبال می‌کند. شما می‌توانید با نام واقعی یا مستعار از این وکلا تماس بگیرید؛ هدف ما کمک به شماست. شما با کلیک کردن بر روی قسمت «مشاوره حقوقی رایگان» که در صفحه اصلی وبسایت قرار دارد می‌توانید فرم درخواست مشاوره را مشاهده و تکمیل فرمائید و سپس آن را برای ما از طریق آدرس ایمیلی که در اختیارتان گذاشته می‌شود ارسال کنید. وکیل داوطلب در اولین فرصت با شما تماس خواهند گرفت.

توجه داشته باشید

«خانه امن» امنیت شما را در فضای مجازی تأمین می‌کند و نام و نشان شما را محفوظ نگه

این سو و آن سو

دخترانی که زود مادر می‌شوند

شاید ثبت ۴ تولد در سال ۹۱ برای مادران ده ساله در مقابل یک میلیون و ۱۰۲ هزار و ۶۳۳ تولد ثبت شده برای مادران ۲۰ تا ۲۴ سال (سن مناسب برای بارداری و زایمان) قابل توجه نباشد، اما تصور نگهداری یک طفل توسط یک کودک ۱۰ ساله به عنوان مادر، تصور دلهره‌آوری است.

به گزارش ایرنا در سال ۹۱، چهار تولد برای مادر ۱۰ ساله، ۱۷ تولد برای مادر ۱۱ ساله، ۵۰ تولد برای مادر ۱۲ ساله، ۲۷۵ تولد برای مادر ۱۳ ساله و ۱۲۸۹ تولد برای مادر ۱۴ ساله ثبت شده است. این آمار جدای از آمار حاملگی‌های سنین ۱۵ تا ۱۹ سال که به آنها در اصطلاح حاملگی نوجوانی گفته می‌شود، است.

براساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۹۱، چهار هزار و ۳۷۷ تولد برای مادران ۱۵ ساله، ده هزار و ۶۳۷ تولد برای مادران ۱۶ ساله، ۱۹ هزار و ۸۸۱ تولد برای مادران ۱۷ ساله، ۳۱ هزار و ۴۹۴ تولد برای مادران ۱۸ ساله و ۴۳ هزار و ۹۲۵ تولد برای مادران ۱۹ ساله ثبت شده است.

براساس آمار سال ۹۱، تولدهای مربوط به مادران زیر ۱۹ سال، ۱/۸ درصد کل تولدها را تشکیل می‌دهند. همگان به این نکته اذعان دارند که ازدواج امری پسندیده و سنت حضرت رسول (ص) است اما بارداری در سنی که هنوز کودک یا نوجوان در حال رشد است امریست که تمامی کارشناسان و پزشکان بر نامطلوب بودن آن مهر تایید می‌زنند.

نوجوانان در حال رشد و تکامل هستند و نیاز آنها



به انرژی و تغذیه مناسب نسبت به افراد مسن‌تر بیشتر است، بنابراین حاملگی آنها را با کمبودهایی مواجه می‌کند که نه تنها مادر بلکه به جنین نیز می‌تواند آسیب برساند. به لحاظ فکری و ذهنی نیز نوجوان هنوز آماده اجرا کردن نقش همسری نیست چنانچه با تولد فرزند نقش مادری نیز به آن افزوده شود در این شرایط فرد بطور کامل به هیچیک از نقش‌های خانوادگی و اجتماعی خود جامه عمل نخواهد پوشاند. پزشکان به این امر اذعان دارند که احتمال کم‌زنی نوزاد برای این دسته از مادران بسیار بالاست و این کم‌زنی، نوزاد را در معرض عوارض مختلفی از جمله: عفونت، سوءتغذیه، معلولیت‌های طولانی مانند اختلال بینایی و شنوایی، مشکلات یادگیری و عقب‌ماندگی‌های ذهنی قرار می‌دهد.

دکتر شهلا کاظمی پور عضو هیات علمی پژوهشکده جمعیتی آسیا و اقیانوسیه در این خصوص می‌گوید: روانشناسان در خصوص اینکه دقیقا چه سنی نوجوانی محسوب می‌شود اتفاق نظر ندارند چرا که بحث‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند در تعریف این محدوده سنی که بطور کلی سن بین ۱۰ تا ۱۹ سالگی در نظر گرفته می‌شود، تاثیر داشته باشد.

وی ادامه می‌دهد: براساس آمار دو سوم دختران زیر ۱۹ که باردار می‌شوند هیچ برنامه‌ای برای مادر شدن نداشته و بطور ناخواسته باردار می‌شوند. بیشتر این بارداری‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه در قالب ازدواج و در کشورهای توسعه‌یافته در قالب روابط جنسی خارج از قالب ازدواج صورت می‌گیرد.

خشونت خانگی و واقعیت تلخ زندگی بیماران دیستروفی

رامک حیدری *

داده شد جنین درگیر بیماری دوشن است دستور سقط آن تا قبل از ۱۷ هفته‌گی داده می‌شود. یعنی کلیه این اتفاقات باید تا قبل از ۱۷ هفته‌گی جنین باشد. اگر فرد مبتلا در خانواده فوت کرده باشد دیگر نمی‌توان برای پیشگیری نسل بعد کاری انجام داد. اگر انجام آزمایش ژنتیک پیچیده باشد به طوری که انجامش در ایران امکان‌پذیر نباشد (مانند پاک‌شدگی ژن به صورت نقطه‌ای)، فقط با ارسال خون به خارج از کشور امکان انجام این آزمایش وجود دارد که در ۳۰٪ از موارد این پیچیدگی وجود دارد و خانواده‌ها متقبل هزینه‌های زیادی می‌گردند.

اما جدای از همه مشکلات و مسائلی که برای انجام این آزمایش وجود دارد، در ساده‌ترین مرحله و حتی در مواردی که انجمن حاضر به پرداخت هزینه‌های انجام آزمایش است باز هم پیچیدگی‌های مسائل فرهنگی و حقوقی مانع از پیشبرد کارها می‌گردد. وجود خشونت در خانواده، نوع نگاه بدی که جامعه به زنان ناقل دارد و فحاشی و تنک و تهدید به طلاق از طرف همسران این زنان باعث می‌شود در هر مورد از طرح غربالگری، مجبور باشیم که ساعت‌ها با خانواده‌ها و زنان ناقل به مشاوره بگذرانیم. در این گزارش با بیان چندین مورد از داستان‌های واقعی به مشکلات این عزیزان می‌پردازیم. کلیه این داستان‌ها واقعی بوده و فقط در چندین مورد نویسنده از اسامی مستعار استفاده کرده است:

محمد امین ۱۶ سال دارد و از ۷ سالگی بر روی ویلچر می‌نشیند. پدرش قریب به دو سالی است که به خاطر اختلاس مالی در زندان به سر می‌برد. پیش از زندانی شدن پدر، بارها مادرش به بهانه ناقل بودن بیماری از سوی پدرش تهدید به طلاق شده است. به طوری که مادر برای اثبات سلامت جسمی‌اش مجبور شد تا فرزندی دیگر به دنیا بیاورد. فرزند دوم آنها که اکنون ۳ ساله است یاسمن نام دارد و در ظاهر سالم است ولی هنوز ناقل بودن او مشخص نیست. هر بار که پدر به مرخصی می‌آید در ابتدا مادر و سپس پسر معلولش را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. مادر ناقل که از دید پدر اکنون مقصر همه ماجرا هست سرپرست دو فرزند خود محسوب می‌شود. او نیز نمی‌تواند در خارج از منزل کار کند و درآمدی داشته باشد زیرا نمی‌تواند فرزند معلول خود را در منزل تنها بگذارد. مادر در آخرین دیدار شوهرش در زندان با هزاران ترس پیشنهاد طلاق را مطرح می‌کند، همسر موافق این موضوع است ولی حضانت فرزندانش را می‌خواهد و این برای مادر مشکل است. حمیدرضا ۱۷ سال سن دارد و سال‌هاست که از ویلچر استفاده می‌کند. او اگرچه به خاطر جدایی مادر و پدرش آرامش بیشتری در زندگی دارد ولی مادر وی مجبور است علاوه بر تامین هزینه‌های زندگی دو فرزندش که یکی از آنها نیز معلولیت دارد، هزینه‌های زندگی پدر بزرگ و مادر بزرگ حمیدرضا را نیز تامین کند. او نیز مانند بقیه مادران به خاطر شرایط جسمی حمیدرضا قادر به کار کردن در خارج از منزل نیست. پدر حمیدرضا که مادر را مقصر در بیماری پسر می‌داند هیچ‌گونه هزینه‌ای را به آنها پرداخت نمی‌کند و حتی حاضر به دیدن فرزندش نیست به طوری که حمیدرضا تا به حال پدر خودش را ندیده است. پدر علیرضا خود را به دیوانگی زده است.

علت را بیماری پسر و زن ناقل می‌گوید. در اثر این جنون خود را مجاز کرده است تا هر لحظه که بخواهد به مادر علیرضا یورش برد. اکنون دیگر علیرضا با مادرش و جدا از پدر زندگی می‌کند تا امنیت جانی داشته باشند ولی هنوز پدر و مادر طلاق نگرفته‌اند. امین ۲۰ سال دارد و او نیز سال‌هاست که روی ویلچر می‌نشیند. پدرش در اثر

خانه امن: امیرمحمود ۱۱ ساله است او از ۶ سالگی مجبور به استفاده از ویلچر شد. اکنون ۲ سالی است که بر اثر تحلیل ریه‌اش از دستگاه ونتیلاتور استفاده می‌کند. پدر و مادرش جدا از هم زندگی می‌کنند ولی هنوز طلاق نگرفته اند. پدر امیرمحمود معتاد به مصرف شیشه است و علت اعتیادش را ناقل بودن زنش به بیماری‌ای که امیرمحمود به آن مبتلا شده می‌داند. مادر امیرمحمود سرپرستی او را بر عهده دارد هرچند که او درآمدی ندارد زیرا به خاطر شرایط جسمی پسرش مجبور است هر نیم ساعت یکبار ریه او را ساکشن کند. پدر نیز با مقصر جلوه‌دادن مادر، از پرداخت هزینه‌های زندگی آنان طفره می‌رود. نگهداری و پرستاری از فرزند از یک طرف، پرداخت هزینه‌های گزاف بیماردری و خرج و مخارج زندگی از سویی دیگر، فحاشی و تنک و آزار جسمی همسر از طرفی دیگر بر روی شانه‌های این مادر سنگینی می‌کند. هر بار که پدر امیرمحمود به دیدن او می‌آید به جای نوازش فرزندش به بهانه‌های کوچکی مادر را مورد تنک و ضرب و شتم قرار می‌دهد. با هماهنگی انجمن امیرمحمود و مادرش، برای بیان مشکلات این بیماری در یک برنامه تلویزیونی حضور یافتند. یک هفته پس از پخش این برنامه، پدر امیرمحمود مادرش را مورد ضرب و شتم قرار داد به طوری که در اثر استرس این زد و خورد امیرمحمود به مدت یک هفته در بیمارستان کودکان بستری شد.

دیستروفی عضلانی چیست؟

دیستروفی عضلانی دوشن (DMD) از بارزترین انواع دیستروفی‌های عضلانی است که در اثر نقص ژنتیکی بر روی کروموزوم X ایجاد می‌گردد. به دلیل اینکه این بیماری وابسته به جنسیت است و روی کروموزوم X می‌نشیند فرزندان پسر در هر تولدی با احتمال ۵۰٪ درگیر این بیماری می‌گردند و فرزندان دختر با احتمال ۵۰٪ ناقل این بیماری برای نسل‌های بعدی می‌شوند. در واقع مادران، ناقل هستند. ناقل یک بیماری که عضلات پسرانشان در اثر این بیماری تحلیل رفته، از سن ۶ الی ۷ سالگی بر روی ویلچر می‌نشینند و در دهه دوم یا سوم زندگی‌شان در اثر تحلیل قلب و ریه فوت می‌کنند. دیستروفی بیماری است که فرد مبتلا را در بسیاری از مواقع وابسته به اطرافیان می‌کند و همین وابستگی می‌تواند موجب بعضی از رفتارهای خشونت‌آمیز علیه بیمار مبتلا به دیستروفی باشد. مشکلات این بیماران به گونه‌ای است که گاه خانواده‌ای را متلاشی می‌کند و خشونت مضاعفی را بر دوش این بیماران می‌گذارد و انجمن دیستروفی ایران همواره در مسیر حرکت خود به پدیده خشونت خانگی و این بیماری توجه دارد.

انجمن دیستروفی ایران

اینجا انجمن دیستروفی ایران است. جایی که به نظر می‌رسد روی یک بیماری کاملا خاص با هدفی کاملا ویژه مشغول فعالیت است. یکی از مهم‌ترین اهداف انجمن دیستروفی ایران علاوه بر حمایت از مبتلایان به دیستروفی، تشخیص و پیشگیری از به دنیا آمدن کودکان درگیر این بیماری است. پیشگیری و کنترل مهم‌ترین هدفی است که می‌تواند بر روی کاهش خشونت خانگی از این بیماران موثر باشد. برای رسیدن به این هدف در ابتدا باید تشخیص دقیق ژنتیکی بر روی فرد مبتلا در خانواده صورت پذیرد، سپس تشخیص ناقلی بر روی زنان آن خانواده (اعم از مادر، دختران، خاله، دختر خاله‌ها و...) انجام شود و در انتها در هر مرتبه بارداری زنان ناقل باید همان آزمایش ژنتیک بر روی جنین تا قبل از ۱۷ هفته‌گی انجام شود. اگر تشخیص



اعتیاد فوت کرده است. خواهر امین که از شوهرش جدا شده با فرزند خود به منزل مادرش بازگشته است. مادر ناقل این بار از طرف دختر خودش مورد فحاشی و اتهام و ضرب و شتم قرار می‌گیرد. دختری که احساس می‌کند مقصر بیماری برادرش و به احتمال قوی ناقل بودن خودش، مادرش می‌باشد، بارها مادر و برادرش را مورد ضرب و شتم قرار داده است به طوری که امین به مادرش پیشنهاد خودکشی دو نفره را داده است. مادر ناقل اکنون به دنبال سرپناهی دیگر برای خود و فرزند معلولش است.

خانم مریم به دفتر انجمن مراجعه کرده است و از ما می‌خواهد با خواهرش صحبت کنیم و او را قانع کنیم تا آزمایش ژنتیک را حتما انجام دهد. مریم دارای یک فرزند مبتلا به دوشن است. وقتی از سابقه بیماری او سوال می‌کنیم متوجه می‌شویم که ۱۸ نفر از اعضای خانواده آنها در گیر این بیماری بوده‌اند که همگی به جز فرزند مریم فوت کرده‌اند. به طوری که در روستای آنها در نزدیکی مشهد خانواده آنها به نام فلج‌زا بودن شهرت یافته‌اند. خواهر کوچک‌تر مریم برای آنکه بتواند ازدواج کند مجبور به مهاجرت از آن روستا می‌گردد. حال که تصمیم به بچه‌دار شدن دارد از ترس شوهر و اینکه بفهمد او نیز ممکن است ناقل باشد، راضی به انجام آزمایش ژنتیک نمی‌شود. با او ساعت‌ها تلفنی حرف می‌زنیم تا راضی‌اش کنیم. امید داریم که تا قبل از ۱۷ هفته‌گی جنین و تا قبل از فوت فرزند مریم، برای تست غربالگری راضی گردد.

برادر مریم که ۱۸ ساله است درگیر بیماری دوشن است. زمانی که مریم فهمید ممکن است او نیز ناقل این بیماری باشد، تصمیم به خودکشی گرفت. از ترس نگاه بد جامعه گوشه‌گیر و منزوی گشت. ساعت‌ها و روزها وقت برد تا توانستیم با مشاوره صحیح به او بگوییم که با انجام آزمایش ژنتیک او نیز می‌تواند همانند دختران دیگر فرزندان سالم به دنیا بیاورد. مشکلاتی که ناشی از ناقل بودن بر دوش زنان هست بی‌انتهاست. مشکلاتی نظیر سرپرستی و نگهداری از فرزند مبتلا، نگاه بد جامعه و خانواده، فحاشی و تنک و تهمت از طرف همسر، طلاق و تنهایی... مسایل و مشکلاتی که باعث می‌شود زنان ناقل به جای انجام آزمایش ژنتیک به داشتن فرزند با احتمال ۵۰٪ سلامت جسمی تن دهند. اگر با این مشکلاتی که اکنون داریم پیش برویم در آینده با سلیلی از بیماران ژنتیکی مواجه خواهیم شد که جبران‌ناپذیر می‌باشد. جهت جلوگیری از مشکلات پیش آمده دو پیشنهاد زیر تومانی ارائه می‌شود:

پیشنهاد اول: بازنگری در قوانین خانواده و طلاق در جایی که زن ناقل بیماری است. شاید تصویب یک تبصره در این قوانین بتواند پدر را در کنار خانواده حفظ کند و مادر را با خیالی راحت‌تر به انجام آزمایشات ژنتیکی راهنمایی کند.

پیشنهاد دوم: اجباری نمودن مشاوره ژنتیک قبل از ازدواج. در هر موردی که مشخص می‌گردد یک فرد مبتلا به بیماری‌های ژنتیکی در خانواده وجود دارد می‌توان انجام آزمایش ژنتیک را قبل از ازدواج در آن مورد اجباری کرد. در این صورت می‌توان احتمال سهل‌انگاری و ندانم‌کاری را به حداقل رساند.

* مدیر انجمن دیستروفی ایران